

مرحوم عراقی سپس به اشکال و جواب دیگری می‌پردازد:

«لا يقال ان من يقول برجوع الشرط الى الهيئة يرى ان تحقق ارادة الواجب في نفس المولى معلق على تحقق الشرط في الخارج و متوقف عليه فقبل حصول الشرط لا ارادة و لا وجوب و بعد حصول الشرط يتحقق كل منهما... (لانا نقول) القول بتوقف تحقق الارادة في نفس المرید على حصول الشرط خارجا خلاف الوجدان فانا نجد في انفسنا ارادة العمل الذي يكون فيه مصلحة لنا على تقدير خاص و ان لم يكن ذلك التقدير متحققا بالفعل.»^۱

توضیح:

۱. لایقال: کسانی که شرط را قید هیأت می‌دانند، می‌گویند مولا قبل از تحقق شرط، اراده ندارد و اراده و وجوب بعد از تحقق شرط پدید می‌آید.
۲. لانا نقول: این سخن خلاف وجدان است، چراکه بالوجدان ما نسبت به واجب مشروط اراده فعلیه داریم. ما می‌گوئیم:

۱. ماحصل فرمایش مرحوم عراقی آن است:

۱. بالوجدان در واجب مشروط، امر اراده فعلی دارد که شیء در فرض شرط حاصل شود.
۲. اراده فعلی ملازم با انبعاث فعلی نیست.
۳. پس در واجب مشروط، حکم فعلی است ولی انبعاث عبد، فعلی نیست.
۲. پس اشکال وحدت ایجاب و وجوب در کلام مرحوم عراقی حل می‌شود، چراکه در واجب مشروط ایجاب فعلی است، وجوب هم فعلی است، و آنچه فعلی نیست انبعاث عبد است.



۱. بدائع الافکار فی الأصول، ص ۳۴۱.

جواب امام به مرحوم عراقی در «توقف فعلیت وجوب بر تحقق شرط»:

حضرت امام در بیانی که ناظر به فرمایش مرحوم عراقی است می‌نویسند:

«هل الوجوب فی المشروط قبل تحقق شرطه فعلى أو لا بصير فعلياً إلا بعده؟ و التحقيق هو الثانى، و

توضیحه يتوقف على تحقيق حقيقة الحكم، فنقول.»^۱

توضیح:

۱. وجوب قبل از تحقق شرط، فعلیت ندارد (خلافاً للمحقق العراقى)



۱. مناهج الوصول إلى علم الأصول، ج ۱، ص ۳۵۳.